## کافه کتاب

# بمان یا برو: شش گام برای تصمیم گیری هوشمندانه در روابط

نویسنده: بورلی استون
مترجم: سهراب شاهین فر
انتشارات: بله

**پیام آشنا:** کتاب بمان یا برو، راهنمایی عملی برای افرادی است که در رابطه عاطفی نامطلوب گرفتار شده‌اند و نه پای رفتن دارند و نه تاب ماندن. بورلی استون، نویسنده کتاب، با رویکردی واقع‌بینانه و دلسوزانه، در این اثر به خواننده کمک می‌کند تا از حالت انفعال و بلاتکلیفی خارج شود و بهترین تصمیم را برای ماندن یا رفتن در رابطه عاطفی بگیرد.

**درباره کتاب بمان یا برو**

کتاب بمان یا برو (Stay or Leave: Six Steps to Resolving Your Relationship Indecision)، اثری سودمند برای افرادی است که در رابطه‌های عاطفی نامطلوب گیر کرده‌اند و نمی‌توانند تصمیم درستی برای جدایی یا ادامه رابطه بگیرند. بورلی استون (Beverley Stone)، نویسنده کتاب، فرایندی گام‌به‌گام در این اثر پیش روی خواننده قرار می‌دهد تا به ریشه‌های تردید خود پی ببرد و کنترل زندگی‌اش را در اختیار بگیرد. به گفته‌ی نویسنده، بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند در رابطه ناسالم باقی بمانند و کار خاصی انجام ندهند، غافل از اینکه این گزینه همواره با شکست روبه‌رو می‌شود. هدف اصلی بورلی استون از نگارش این اثر، آشنایی خواننده با این واقعیت است که چرا تلاش‌های قبلی، با شکست روبه‌رو شده‌اند و چگونه می‌توان دوباره تلاشی انجام داد که به موفقیت و رضایت در رابطه برسد.

مطالب کتاب بمان یا برو با توضیحاتی درباره دلیل‌های ترک یک رابطه آغاز می‌شود. در کنار این دلیل‌ها دلیل‌های ماندن در رابطه نیز مطرح شده‌اند. این رویکرد به خواننده کمک می‌کند تا از چرخه احساسات سردرگم‌کننده خارج شود، با نگاهی متعادل و واقع‌بینانه همه‌ی جوانب رابطه‌اش را بررسی کند و به جای تصمیم‌گیری بر اساس ترس یا عادت، با درکی روشن و منطقی، بهترین انتخاب را برای آینده خود رقم بزند و سرانجام کنترل زندگی‌اش را به دست بگیرد.

**مانع‌های اصلی برای ادامه یا خاتمه رابطه‌ی احساسی**

بورلی استون، در ادامه‌ی کتاب بمان یا برو از پذیرفتن مسئولیت بن‌بست زندگی سخن رانده است. مطالعه این بخش باعث می‌شود تا خواننده، با پذیرش مسئولیت‌ها، بازخانی کامل و دقیق برای نیازها و خواسته‌های شخصی خود پیدا کند و خود واقعی‌اش را بشناسد. چنین شناختی، راه را برای اتخاذ تصمیم مهم ماندن در رابطه یا ترک آن، باز می‌کند. از دیدگاه بورلی استون، نداشتن شناخت از خود، نداشتن نگاه مثبت به اضطراب، بر نکردن زندگی با هدف و معنای خاص، نپذیرفتن مسئولیت شرایطی که فرد در آن قرار دارد، نبود امکان همیشگی انتخاب و زندگی بر اساس معیارها و استانداردهای خود، به عنوان ۶ مانع مهم در زندگی انسان‌ها و رابطه احساسی شناخته می‌شود. نویسنده، در کتاب بمان یا برو، راه‌های برطرف کردن این موانع را به تفصیل توضیح داده تا خواننده پس از مطالعه این اثر، تصمیمی حساب‌شده و دور از احساسات برای ادامه یا ترک رابطه بگیرد.

**نکوداشت‌های کتاب بمان یا برو**

- علاقه‌مند بودم که ببینم نویسنده در این باره چه دیدگاهی دارد. متوجه شدم که بورلی استون تمام جوانبی را که باید در نظر گرفت، با زبانی شیوا و روشن توضیح داده است. این کتاب را به هر کسی که به این موضوع علاقه‌مند است، پیشنهاد می‌کنم. (کاربر آمازون)
- این کتاب حرف دل آدم را می‌زند. از یک یا چند جلسه‌ی درمانی گران‌قیمت مؤثرتر است. آن را بخوانید و به خود کمک کنید. (کاربر آمازون)

**کتاب بمان یا برو برای شما مناسب است اگر**

- در یک رابطه ناراضی‌کننده گرفتار شده‌اید و بین ماندن یا رفتن مردد هستید.
- از بی‌تصمیمی و بلاتکلیفی در رابطه خود خسته شده‌اید و می‌خواهید قدمی برای تغییر بردارید.
- به دنبال یک راهنمای عملی و گام‌به‌گام هستید تا به شما کمک کند با واقعیت روبه‌رو شوید.
- قصد دارید دلیل‌های شکست تلاش‌های قبلی خود را برای حل مشکلات رابطه، کشف و درک کنید.

**در بخشی از کتاب می‌خوانیم**

اگر مدام از زندگی خود ناراضی هستید، این به این دلیل است که به‌جای ریسک کردن و تبدیل شدن به کسی که می‌خواهید، ترجیح می‌دهید در یک وضعیت جمعی ناسالم باقی بمانید و به خواسته‌های دیگران پاسخ دهید.

یکی از مراجعینم به من گفت که «با گذر زمان احساس می‌کند که با اکنون یا هیچ وقت، این گزینه فرصت اوست. باوجود اینکه فرزندانش روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شوند، خواسته‌های همسر و فرزندانش همچنان به قوت خود باقی است. او می‌خواست که هیچ‌چیز به هم نخورد، اما در عین حال نیاز داشت که به خودش فکر کند. خود را در اولویت قرار دهد و از خود مراقبت کند پیش از آنکه برای این کار خیلی دیر شود.

آیا شما هم همیشه تلاش می‌کنید تا نیازها و آرزوهای خود را فدای خواسته‌ها و نیازهای خانواده کنید؟ آیا در گفت‌وگو با دوستانتان از آن‌ها می‌پرسید که پس چه زمانی نوبت شما خواهد شد؟ و هنوز هم برای ارضای نیازهای دیگران از خودتان گذشت می‌کنید؟ آیا در روابط با همسر خود، همیشه به‌نظرم می‌رسد که شما بدخلق و عصبانی هستید، در حالی که هر دومی‌دانید که در حقیقت مقصر اصلی طرف مقابل است؟ آیا مشاجرات شما معمولاً با قول و قرارهایی که هیچ‌وقت به عمل نمی‌رسد تمام می‌شود؟ در این صورت، شما به‌خاطر رفتار مثبت‌تان در حقیقت ضعیف و شکننده می‌شوید و به میل شریک زندگی‌تان عمل می‌کنید، مدام از خودتان می‌پرسید که پس چه زمانی نوبت شما می‌شود؟

آیا از ریسک کردن اجتناب می‌کنید چون از سرزنش و ملامت دیگران می‌ترسید؟ یا پس از هر مشاجره، تسلیم یک امیدبی‌نتیجه برای پیروزی می‌شوید؟

## همزمان با روز جهانی سالمند

# آغاز طرح استفاده رایگان سالمندان از سینماهای منتخب البرز

در اقدامی فرهنگی و حمایتی، اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز برنامه‌ای ویژه برای استفاده رایگان سالمندان از سینماهای منتخب این استان را از ۵ تا ۱۱ مهرماه سال جاری، همزمان با روز جهانی سالمند، اجرا می‌کند. این طرح با هدف تکریم جایگاه سالمندان و ایجاد فرصت برابر برای بهره‌مندی آنان از خدمات فرهنگی تدارک دیده شده است.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از روابط عمومی اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز، ابراهیم شریفی -مدیر کل اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز- با اعلام جزئیات این برنامه گفت: در راستای حمایت از سالمندان و اجر نهادن به مقام والای آنان، طرح استفاده رایگان از سینماهای منتخب استان، در فاصله ۵ تا ۱۱ مهرماه، همزمان با روز جهانی سالمند، اجرا خواهد شد.

وی افزود: در این طرح، چند مجموعه سینمایی شاخص با همکاری اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مشارکت دارند؛ از جمله پردیس سینمایی نه دی هشتگرد و سالوچ که تنها در سانس اول هر روز میزبان سالمندان هستند؛ پردیس سینمایی الهیه که در تمامی سانس‌ها خدمات رایگان ارائه خواهد داد و پردیس سینمایی اکومال که برای بازنشستگان به همراه همسر و نیز سالمندان، در تمامی سانس‌ها امکان تماشای رایگان فیلم‌ها را فراهم کرده است.

شریفی همچنین با تقدیر از همراهی مدیریت این سینماها، ابراز امیدواری کرد که با توسعه فضاهای فرهنگی و هنری در سطح استان، شرایط مطلوبتری برای حضور فعال شهروندان، به‌ویژه سالمندان، در برنامه‌های فرهنگی و هنری فراهم شود تا این قشر ارزشمند بتوانند نقش‌آفرینی بیشتری در زندگی فرهنگی و اجتماعی البرز داشته باشند.

## نگاهی به نمایش «نیمه تاریک ماه»

# دعوت به مراسم ماه گرفتگی

**رویا اسلیمی-** سه زوج درشبی که خسوف کامل در حال رخ دادن است در هم جمع می‌شوند. این دورهمی در کنار خسوف به برملایی رازهایی می‌انجامد که سرنوشت شخصیت‌ها را تغییر می‌دهد. وقتی زمین مابین خورشید و ماه قرار می‌گیرد، سایه‌اش بر ماه می‌افتد. این سایه به‌ماه گرفتگی یا خسوف شهرت دارد. این تلاقی در نمایش یا بهتر بگوییم فیلم «نیمه‌های تمام عیار» نوشته و کارگردانی پاولو جتووسی از اهمیت بسزایی برخوردار است. نمایش «نیمه تاریک ماه» به کارگردانی داوود بتی زدلان، که کپی تمام عیاری از فیلم مشهور جتووسی است، همان مضامین با همان دیالوگ و میزانسن‌ها را در سالن نمایش برای مخاطبی ایرانی اجرا می‌کند.

هر چه در مورد مضمون نمایش بگوییم، همان چیزی است که در فیلم ایتالیایی مطرح می‌شود. نکته اول این تلاقی و برهم‌سازی خسوف و گردهمایی چند زوج است. همه آنها در ظاهر بسیار شاد و خوشحال و البته خوشبخت به نظر می‌رسند. اما از همان دیالوگ دروغ ابتدایی که در پایان نقیضه آن را به مخاطب عرضه می‌کند، ناگهان جهانی از روابط پیچیده و در هم تنیده‌ای آغاز می‌شود. روابطی که با گذر زمان و با کنتوکلو بر جزئیات آن، می‌توان به واقعیت عریان و البته تلخ آن پی برد.

تلفن همراه در اینجا شخصیت اصلی نمایش است. همه مهمانان در یک بازی از قبل طراحی شده، تصمیم بر این داشتند که بازی‌ای از قبل طراحی شده خود در میان دوستان و شریک زندگی خود می‌شوند. در اینجا گویی تلفن همراه همان زمیتی است که مابین خورشید و ماه قرار گرفته است. درواقع نقطه اتصال تمام اختلافات و پنهان‌کاری‌ها و گیتی‌پلازهایی که در ابتدای بازی خنده می‌گیرد، در ادامه راهی برای شناخت بهتر از شخصیت‌ها می‌شود. وقتی سایه کنار می‌رود، دیگر گویی نه ماه شکل سابق خود را دارد و نه خورشید. این فاصله و سایه هر چند وقتی، همان نقطه تقلی است که نمایش سعی دارد روی آن پافشاری کند. نقطه‌ای که تا پایان نمایش پیش می‌رود و هر چه به انتهای داستان نزدیک می‌شویم، تاریکی این سایه هولناک وجوه پیچیده‌وزشتتری از شخصیت‌های حاضر در مهمانی را می‌شناساند. همانطور که از اسم نمایش نیز برمی‌آید، نیمه تاریک شخصیت‌ها که از نظر پنهان است و تنها در موقعی خاص مانند خسوف آن هم با مباجی تلسکوپ قابل مشاهده است، معلول زشتی‌ها و پلیدی‌هایی است که نمی‌توان آن را برای همیشه در آفتاب چشم دیگران پیدا کرد. این تاریکی، گویی واقعیتی شخصیت‌هایی است که با تلفن‌های همراه خود، در طول شبانه‌روز مشغول پرده‌پوشی همان نیمه تاریک ماهی هستند که باید از آن چشم بپوشید و با بخش دیگری از زندگی که قابل رویت است، ارتباطات جهان واقعی را پی گرفت.

خیانت، اختلافات عمیق خانوادگی، روابط پی قید و بند و در نهایت همه‌چیز گرایی از این دست واقعیت‌ها است. شخصیت‌ها در پی فاش شدن مکالمات و پیامهای تلفن همراه خود، جهان بی‌اخلاق و بی تعهدی را به نمایش می‌گذارند که حتی نزدیک‌ترین افراد زندگی‌شان نیز نمی‌توانند بر این حقیقت غیر قابل اغماض چشم بپوشند. درواقع این بازی، دسترسی آزاد به اطلاعات بدون قید و شرط را برای دیگران نزدیک که همان غریبه‌های زندگی مشترک هستند، فاش می‌کند. آزادی بیان و عقیده در سطوح مختلف که توسط فضای مجازی عملا ماهیت و ساختار دیگری پیدا کرده است، این آزادی بیان و عقیده با کمک فضای مجازی، هر چند که در نمایش و فیلم «غریبه‌های تمام عیار» مطرح می‌شود و رازهایی را برملا می‌سازد اما عملا در پایان هیچ واکنشی خاص نسبت به این حد از بی اخلاقی وجود ندارد. تنها برملا شدن این رازها و شناخت سویه تاریک شخصیت‌ها دراین راه می‌سازد.

در دنیای شبکه‌ای افراد بیش از هر چیز با تلفن‌های همراه خود لحظه‌های زندگی خود را می‌سازند. تولید محتوا یا مصرف کننده محتوایی هستند که هر لحظه و هر جا در کمترین زمان ممکن دسترسی به آن برای همه نامحدود می‌شود. این دسترسی زمانی می‌تواند با زندگی واقعی و متعهدانه همراه و همسو باشد که شخصیت‌ها بر اصول و عقایدی پایبند بوده و بر جهان‌بینی مبتنی بر باورهای درست و عقلانی متعهد باشند. فارغ از آن چیزی که به عقیده و جهان‌بینی هر فرد بستگی دارد، اخلاق و پایبندی به حداقل‌ترین اصول اخلاقی به نظر جتووسی محلی از اعراب ندارد. شاید در اروپایی که کارگردان ایتالیایی در آن زندگی می‌کند، خیانت زنی شوهردار یا همچنس‌گرایی امری پذیرفته شده و البته قابل چشم‌پوشی باشد. اما در جامعه ایران و برای مخاطب ایرانی، این مضامین غیراخلاقی و نمایش آن بدون هیچ نقد و سوگیری، به عادی‌سازی و فروپاشی اخلاقی کمک می‌کند. نمایش این سطح از فروپاشی و ابتذال اخلاقی در تئاتری با عوامل و موقعیت ایرانی، ترویج و تایید آن محسوب می‌شود.

اگر مخاطب ایرانی در جهان پر از دسترسی امروز فیلم «غریبه‌های تمام عیار» را بدون سانسور در تلفن همراه خود تماشا می‌کند، مجوزی برای اجرای دوباره و بازسازی ایرانی آن روی صحنه تئاتر نخواهد بود. بدون هیچ کم و کاست و نقدی در خصوص روابط متزلزل و بی اخلاق خانوادگی، عملا نتیجه‌ای جز ترویج و عادی سازی آن ندارد.

## به بهانه روز جهانی گردشگری بررسی شد

# عقب‌ماندگی‌ای که زیر فرش ماند!

ایران در افق ستد چشم‌انداز ۲۰ ساله، تا سال ۱۴۰۴، مقرر بود به ۲۰ میلیون گردشگر خارجی و ۲۵ میلیارد دلار درآمد حاصل از آن دست یابد. اما حالا نه تنها نسبت به این ستد عقب‌ماندگی قابل توجهی دارد که هدف‌گذاری آن دیگر محل مراجعه و مقایسه نیست و گویی، از دور خارج شده است.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از ایستا، ستد چشم‌انداز ۲۰ ساله مصوب ۱۴ دی ماه ۱۳۸۳ هیأت دولت وقت بود که بر اساس آن، ایران باید ۱.۵ درصد از سهم گردشگران جهان را تا سال ۱۴۰۴ به خود اختصاص می‌داد و ۷ صدم درصد درآمدی که از ورود گردشگران خارجی در سال ۱۳۸۳ به دست آورده بود را تا پایان برنامه به ۲ درصد می‌رساند. به گونه‌ای که در سال پایان این ستد (تا سال ۱۴۰۴)، نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار از ورود گردشگران خارجی درآمد کسب می‌کرد.

درحالی که آمارهای وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نشان می‌دهد در آخرین دورهٔ این ستد، یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۹۹ تا پایان ۱۴۰۳، آمار ورود گردشگران خارجی تحت تاثیر تحولات و بحران‌های داخلی و خارجی، مدام در نوسان بوده و تا پایان سال ۱۴۰۳، تعداد گردشگران ورودی به ایران طبق آنچه این وزارتخانه اعلام داده، به هفت میلیون و ۳۹۹ هزار نفر رسیده است. این وزارتخانه پیش‌بینی کرده که این تعداد در پایان سال ۱۴۰۴ نهایت به ۹.۵ میلیون نفر برسد؛ اعدادی که -هرچند به کمیت و کیفیت آن نیز نقدهایی وارد است- تا ۲۰ میلیون نفر هدف‌گذاری شده در ستد چشم‌انداز فاصله معناداری دارد.

اظهارات و داده‌پردازی کارشناسان نشان می‌دهد آمارهای ورود گردشگران خارجی و درآمد حاصل از آن نه تنها در آخرین دوره، بلکه در تمام ۲۰ سال گذشته، کمتر از آنچه هدف‌گذاری شده، بوده است. این ستد که می‌توان گفت به نوعی تنها نقشه راه صنعت گردشگری ایران محسوب می‌شد، در سال‌هایی حتی به فراموشی سپرده شده و نسبت به آن بی‌تفاوتی‌هایی نشان داده شده است. با این حال، گهگاهی مسئولان و متولیان، به خود نهیب‌هایی زده‌اند و به عقب‌ماندگی نسبت به این ستد معترف شده‌اند اما در وضعیت، تغییری ایجاد نشده است.

در این ستد آمده که «شاخص‌های کمی و نحوه انطباق محتوای برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه متناسب با سیاست‌های کلی برنامه چهارم تهیه و ارائه شود.» نظر برخی کارشناسان گردشگری بر این بوده که انطباق نداشتن شاخص‌ها و هدف‌گذاری‌ها و واقع‌بینانه نبودن اهداف متناسب با ساختارها و زیرساخت‌ها و تغییرات مدوام در سیاست‌ها و پیش‌بینی نشدن بحران‌ها و شفاف نبودن جزئیات و گزارش‌های آن در پایان هر دوره، از دلایل ناکامی ستد چشم‌انداز ۲۰ در بخش گردشگری نیز بوده است. این دیدگاه در کلیت، نسبت به ستد چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز وجود دارد که آن را ستدی «ملتهب‌پرواز» و «تاکام» دانسته‌اند.

اینک مسئله آن است که نه تنها این ناکامی و عقب‌ماندگی، آسیب‌شناسی نشده و درس گرفته نمی‌شود و توضیح و گزارش شفافی درباره جزئیات آن وجود ندارد و به نوعی نادیده گرفته شده است. که اهدف جدیدتری در برنامه هفتم توسعه ترسیم شده است؛ جذب ۱۵ میلیون گردشگر تا سال ۱۴۰۷ از اهداف این برنامه است که از آن به عنوان یک «عقب‌نشینی بزرگ» نیز، با وجود سه سال اضافه در هدف‌گذاری نسبت به ستد چشم‌انداز ۲۰ ساله یاد شده است. اما موضوع اصلی این است که مشخص نیست به این ۱۵ میلیون نفر چگونه قرار است دست یابیم. چه برنامه و نقشه راهی برای آن ترسیم شده است؟ آیا بحران‌ها و وضعیت زیرساخت‌ها و ناپایداری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این مسیر پیش‌بینی و درنظر گرفته شده است؟ مسئله‌ای که ستد چشم‌انداز ۲۰ ساله را نیز به دلیل شاخص‌های کلی و الزام‌های نامتناسب، به چالش کشید.

## بازار یابی یا بدسلیقگی؟

# چرا برای مردم این قدر مهم است سلیریتی ها چه می‌پوشند؟

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از عصر ایران، در روزهای اخیر، پوشش دو بازیگر زن در افتتاحیه فیلم‌های سیمایی نه صرفاً به‌عنوان یک انتخاب شخصی، بلکه به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی -اجتماعی- با موجی از حاشیه‌ها، انتقادهای تند و البته تمسخرهای طنزآلود در شبکه‌های اجتماعی مواجه شد؛ واکنشی که نشان می‌دهد لباس سلیریتی‌ها دیگر فقط ظاهر نیست، بلکه به عرصه‌ای برای جدل، داوری و حتی سرگرمی عمومی بدل شده است.

این افتتاحیه‌ها درواقع کارگردی مشابه مراسم فرش قرمز سینمای جهان، پیدا کرده‌اند. فرش قرمز در جهان، چیزی فراتر از یک مسیر راه‌پیمایی برای عبور ستاره‌هاست؛ آیینی رسانه‌ای و نمایشی است که در آن لباس نه فقط پوشش، بلکه پیغام‌های فرهنگی، هویتی و حتی سیاسی است.

فرش قرمز در ایران

اما در ایران، هر بار که افتتاحیه‌ای برگزار می‌شود، بحث‌ها نه بر سر فیلم، بلکه بر سر لباس بازیگران درمی‌گیرد: چرا این همه انتخاب‌های عجیب و نامعمول؟ آیا این «بدلباسی» تصادفی است یا بخشی از استراتژی نهفته؟

از یک منظر، این بدلباسی کاملاً آگاهانه است. بازیگران بخوبی می‌دانند اگر لباس کلاسیک، شیک و بی‌حاشیه بپوشند، نهایتش یکی دو عکس در خبرگزاری‌ها ثبت می‌شود اما کافی است رنگ‌های جیغ را با برش‌های نامعمول و اکسسوری‌های بی‌ربط ترکیب کنند تا قیامت سوژه‌ی داغ اینستاگرام، تیوییتر و یوتیوب بدل شوند. در منطق بزندیگ، این همان «استراتژی بقا» است: دیده‌شدن به هر قیمتی حتی اگر دیده‌شدن در قالب تمسخر باشد. در دنیایی که چرخه‌ی توجه کوتاه‌تر از همیشه است، غیرمعمول بودن مساوی است با ماندن طولانی‌تر در حافظه جمعی.

بازاریابی یا بدسلیقگی؟

مشکل فقط به انتخاب‌های فردی خلاصه نمی‌شود. در ایران، هنوز صنعت مد و فشن ساختارمند برای سیتماگران شکل نگرفته است. در جهان، انتخاب لباس برای فرش قرمز حاصل همکاری دقیق میان برندهای لوکس، استایلیست‌ها و تیم‌های رسانه‌ای است. هر جزئیات لباس، از رنگ گرفته تا برش، بخشی از یک روایت حساب‌شده است. در ایران اما بیشتر انتخاب‌ها شخصی، عجولانه و بدون درک از کدهای زیبایی‌شناختی چنین مراسم‌هایی است. نتیجه، استایل‌هایی است که بیش از آنکه یادآور فرش قرمز باشند، به «مرین گروه تئاتر دانشجویی» شبیه‌اند.

علی‌رغم اینکه بسیاری از لباس‌ها و اکسسوری‌های سلیریتی‌ها از نظر ظاهر عجیب یا حتی زشت به نظر می‌رسند، قیمتشان سرسام‌آور است. دلیل اصلی آن، برندینگ و نام طراحان مشهور است که ارزش یک اثر را نه فقط در جنس، بلکه در شهرت و اعتبار آن تعیین می‌کنند. همچنین، عدمای حاضرند برای دیده شدن و متفاوت بودن هزینه کنند و همین تفاضا قیمت‌ها را بالا نگه می‌دارد.

بازاریابی هوشمند و محدودیت تولید نیز باعث می‌شود کالای بازیگران به‌ظاهر عجیب داشته باشد. ارزشمند تلقی شود. در نهایت، این گران بودن بیشتر بازتابی از قدرت اجتماعی و تمایز فرهنگی است تا کیفیت واقعی محصول.

از نگاه جامعه‌شناسی، ماجرا لایه‌های عمیق‌تری هم دارد. در جامعه‌ای که فرصت‌های بروز فردیت محدود است، لباس به میدان اصلی نمایش تفاوت بدل می‌شود. حتی اگر این تفاوت در قالب ناهماهنگی و اغراق جلوه کند. باز هم برای ساحیش ارزشمند است: چون دیده می‌شود. چون همان چیزی است که می‌توان آن را مصرف‌گرایی واژوه نامید: خریدن دیده‌شدن به جای خریدن کیفیت. به عبارت دیگر، بازیگر لباس نمی‌پوشد تا زیبا باشد. لباس می‌پوشد تا سوژه شود.

طنز ماجرا هم کم نیست. واکنش‌های مردم در شبکه‌های اجتماعی اغلب چیزی میان خنده و ناباوری است: «لابی لنگار یا پرده آشپزخانه‌اش آشتی کرده»، «این لباس بیشتر برای خرید سبزی مناسب است تا فرش قرمز»، یا «بهتر هم می‌رسد. فلانی از معبد شاولین مرخصی گرفته برای مراسم اومده». نکته اینجاست که حتی این واکنش‌ها هم به هدف بازیگر خدمت می‌کند؛ چون باز هم درباره‌اش حرف زده می‌شود.

اعلان تفاوت سلیریتی از جامعه

اینجا دقیقاً همان جایی است که روان‌شناسی جمعی وارد ماجرا می‌شود. چرا برای مردم این قدر مهم است که یک سلیریتی چه می‌پوشد؟ چون نزاخودآگاه جمعی، لباس ستاره‌ها فقط پارچه نیست. «اعلان تفاوت» است. وقتی کسی با استایلی عجیب روی فرش قرمز می‌آید، مردم عادی آن را مقایسه می‌کنند با فاصله نجومی دستمزد سلیریتی‌ها یا درآمد خودشان و ماشین‌ها و سبک زندگی آنها با روتین خسته کننده زندگی و لباس‌های تکراری خودشان.

نتیجه؟ واکنشی ترکیبی از خشم، حسادت و البته خنده. سلیریتی‌ها با لباس چیزی می‌فروشند و ما با واکنش‌مان روانی دارد. به جای اینکه بپذیریم که فلانه زیادی بین ما و آنهاست، با یک جوک یا کنایه، قدرت را پس می‌گیریم. به همین دلیل است که یک لباس عجیب می‌تواند بیشتر از خود فیلم سر زبان‌ها بیفتد. در واقع، سلیریتی با بدلباسی دیده می‌شود و مردم با مسخره کردن او احساس می‌کنند دیده شدند.

اگر این بازی دوطرفه است: یکی خود را سوژه می‌کند تا فراموش نشود. دیگری می‌خندد تا فراموش نکند که هنوز سهمی در این نمایش دارد.

آیا باید بپرسید این استراتژی در بلندمدت چه پیامدی دارد. درست است که بدلباسی تضمین می‌کند بازیگر در فضای مجازی فراموش نشود. اما در سطح کلان‌تر، به پرسنژ سیتمای ایران آسیب می‌زند. وقتی افتتاحیه‌ها به صحنه‌ی شوخی و تمسخر بدل شوند، فیلم‌ها و کارگردان‌ها هم ناخواسته زیر سایه‌ی این حاشیه‌ها قرار می‌گیرند. به‌جای اینکه کیفیت اثر مورد بحث باشد، تیترها پر می‌شوند از «استایل عجیب» فلان بازیگر.

حرف آخر

بدلباسی در افتتاحیه‌های فیلم‌ها و جشنواره‌ها را می‌توان ترکیبی از استراتژی آگاهانه دیده‌شدن و بحران ساختاری در صنعت مد و سلیقه جمعی دانست. سلیریتی با لباس چیزی می‌فروشد و ما با واکنش‌مان سهمی در این بازار پرهیاهو می‌خریم. شاید فلانه زیادی بین ما و آنهاست، یا یک جوک یا کنایه، قدرت را پس می‌گیریم به همین دلیل است که یک لباس عجیب می‌تواند بیشتر از خود فیلم سر زبان‌ها بیفتد. در واقع، سلیریتی با بدلباسی دیده می‌شود و مردم با مسخره کردن او احساس می‌کنند

## کوتاه از فرهنگ

# کتاب‌های تقریظ شده جدید معرفی شدند

تازه‌ترین تقریظ رهبر انقلاب بر سه کتاب دفاع مقدسی، به‌زودی منتشر می‌شود.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از مهر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی چندی پیش، پس از مطالعه سه کتاب «خانوم ماه»، «حب ناتمام» و «همسفر آتش و برف» بر آن‌ها تقریظ نوشته‌اند.

سه کتاب به روایت‌هایی از زندگی قهرمان بانوان ایرانی، همسران و مادر سه شهید دوران دفاع مقدس، به شرح زیر می‌پردازد:

«خانوم ماه» داستانی از زندگی خانم‌زاد علی‌نژاد همسر شهید شیرعلی سلطانی اهل شیراز است. این داستان در سه فصل جداگانه روایت می‌شود و از زندگی و انتخاب‌های خانم‌زاد می‌گوید. ساجده تقی زاده نگارش این کتاب را بر عهده داشته و بهنشر ناشر آن است.

کتاب «حب ناتمام» روایت زندگی خانم شهلا متزوی مادر جانباز شهید حسین دخانچی از قم است که ۱۷ سال عاشقانه و صبورانه فرزند جانبازش را پرستاری کرده است. شهید «حسین دخانچی» سال ۱۳۶۳ در عملیات بدر جانباز قطع نخاع از ناحیه گردن شد و در سال ۱۳۸۱ در اثر عارضه مجروحیت به شهادت رسید. زهرا حسینی مهرآبادی نویسنده‌ی کتاب و انتشارات حماسه‌سرایان ناشر آن است.

«همسفر آتش و برف» رمان مستندی است از روایت خانم فرحناز رسولی همسر شهید سعید فهاری از زندگی پرفراز و نشیب این سردار شهید. انتشارات روایت فتح ناشر این کتاب و فرهاد خضری نویسنده آن است.

تقریظ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر این سه کتاب در آبان‌ماه ۱۴۰۴ و در ایام شهادت حضرت فاطمه‌الزهرا سلام‌الله‌علیها و هفتهٔ کتاب، توسط مؤسسهٔ پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی منتشر خواهد شد.

## سینمای ایران

# رئیس سیمافیلم اعلام کرد: ۱۶ سریال در مرحله تولید

رئیس مرکز سیمافیلم، در خصوص تعداد سریال‌های دوبین روشن این روزها توضیح داد: اکنون ۱۶ سریال در حال تولید هستند و تصویربرداری آن‌ها انجام می‌شود تعدادی سریال در مرحله پس تولید نیز وجود دارد که شامل هفت سریال در رژ‌های مختلف می‌شود و تصویربرداری آن‌ها به پایان رسیده است و منتظر آنتن و جدول پخش هستند. حدود ۹ سریال نیز در مرحله پیش تولید قرار دارند و با طی شدن فرایند تولیدشان، به شروع فیلمبرداری می‌رسند.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از روابط عمومی صداوسیما، مهدی نقویان ضمن اعلام این خبر افزود: ازجمله سریال‌های در حال تولید سیمافیلم می‌توان از «شیرعلی مردان خان»، «حو نیمه ماه»، «سریاز کوچک امام»، «گرگ‌ها»، «روشنایی شب»، «گلوی‌بتو»، «صاحبره»، «بیگانگان»، «هلک‌آباد»، «هیدوران»، «بسته خندان»، «سیزوران»، «شش ماهه»، «سیاب زحمت»، «عوسی کلیم‌الله» و «سلمان» یاد کرد.

وی تأکید کرد: هم‌اکنون سریال‌هایی برای ماه مبارک رمضان و عید نوروز نیز در حال تولید هستند. اتفاقات ویژه‌ای در تولیدات سیمافیلم رقم خورده است و برخی اخبار هنوز قطعی نشده، اما قطعاً برای عید نوروز و ماه مبارک رمضان به‌عنوان دو بازه زمانی طلایی شاهد سریال‌های خوبی خواهیم بود.

رئیس مرکز سیمافیلم ادامه داد: اسفند ماه ۱۴۰۴ کاملاً به آثار ماه رمضانی اختصاص می‌یابد و بعد از آن سریال‌های عید نوروز روانه آنتن می‌شوند که در کل شامل شش سریال خواهد بود و کارگردان‌های خوبی نیز در این تولیدات مشارکت داشته‌اند.

نقویان در مورد آخرین اخبار از سریال «شش ماهه» به کارگردانی مهران مدیری نیز توضیح داد: این اثر اکنون در حال تولید است و هنوز برای جدول پخش و زمان آن تصمیم‌گیری نشده، اما بیش از ۵۰ درصد سریال فیلمبرداری شده است.

وی افزود: مخاطبان نباید به اخباری که در فضای مجازی منتشر می‌شود اتکا کنند، چراکه اغلب آن‌ها موثق نیست. تنها خبرهایی که از سیمافیلم منتشر می‌شود، زمان دقیق پخش تولیدات را مشخص می‌کند.

## سینمای جهان

# مایکل مان سال آینده «مخمصه ۲» را می‌سازد

مایکل مان اعلام کرد قصد دارد «مخمصه ۲» را سال ۲۰۲۶ فیلمبرداری کند.

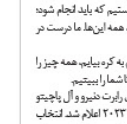

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از اسکرین دیلی، مایکل مان فاش کرد که فیلمبرداری دنباله فیلم «مخمصه» که سیاری انتظارش را می‌کشند سال ۲۰۲۶ آغاز می‌شود.

مان در سخنرانی خود در جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان و در مستر کلاسی که برای فیلم جنایی مهیج سال ۱۹۹۵ خود برگزار کرد، درباره دنباله آن گفت: من مشتاقانه منتظر فیلمبرداری احتمالی آن در سال ۲۰۲۶ هستم. وی افزود: ما در میله انجام کارهایی هستیم که باید انجام شود؛ بودجه‌بندی، برنامه‌ریزی، انتخاب بازیگر. همه این‌ها ما درست در میانه این فرآیند هستیم.

وی با شوخی افزود: چون من می‌خواستم به کره بیایم، همه چیز را به تعویق انداختیم و ۵ روز به کره آمدیم تا شما را ببینیم.

ساخت دنباله فیلم «مخمصه» که با بازی رابرت دنیرو و آل پاچینو ساخته شده بود، اولین بار در اوریل ۲۰۲۳ اعلام شد. انتخاب بازیگران هنوز تأیید نشده است اما آدام درایور پیش از این در حال مذاکره برای ایفای نقش نسخه جوان‌تر شخصیت دنیرو بود.

مان گفت که پس از اعلام دنباله، علاقه به فیلم اصلی در بین مشترکین نتفلیکس به طرز چشمگیری افزایش یافته و شمار بینندگان در نتفلیکس از یک میلیون ساعت به ۱۷ میلیون ساعت برای فیلم اصلی رسید.

مان از آن زمان فیلم‌هایی از جمله «نفوذی»، «علی»، «وثیقه» و «فرار» را کارگردانی کرده است.